

جاده

تخلف

گریز

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی

مجموعه بیانات رهبر معظم
انقلاب در باره اربعین

جاده تجف کربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی

مجموعه بیانات رهبر معظم
انقلاب در پاره آریه سین

به همت: محمد رضا طاهری



علت اهمیت اربعین

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی (علیه السلام) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسلهای بعد، از دستاورد شهادت استفاده‌ی زیادی نخواهند برد.^۱

جابر بن عبدالله انصاری؛ اولین زائر اربعین

در روز اربعین هم، بعد از آن روزهای تلخ و آن شهادت عجیب، اولین زائران ابا عبدالله الحسین علیه السلام بر سر قبر امام معصوم شهید جمع شدند. از جمله کسانی که آن روز آمدند، یکی «جابر بن عبدالله انصاری» است و یکی «عطیه بن سعد عوفی» که او هم از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام است. جابر بن عبدالله از صحابه پیامبر و از اصحاب جنگ بدر است؛ آن روز هم علی‌الظاهر مرد مستی بوده است؛ شاید حداقل شصت، هفتاد سال از سنین او - بلکه بیشتر - می‌گذشته است. اگر در جنگ بدر بوده، پس لابد قاعدتاً در آن وقت باید بیش از هفتاد سال سن داشته باشد؛ لیکن «عطیه» از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام است. او آن وقت جوانتر بوده؛ چون تا زمان امام باقر هم «عطیه بن سعد عوفی»

۱. بیانات در دیدار اقبشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۰۶/۲۹



حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



علی‌الظاهر زندگی کرده است. «عطیه» می‌گوید: وقتی به آن جا رسیدیم، خواستیم به طرف قبر برویم، اما این پیرمرد گفت اول دم شط فرات برویم و غسل کنیم. در شط فرات غسل کرد، سپس قطیفه‌ای به کمر پیچید و قطیفه‌ای هم بردوش انداخت؛ مثل کسی که می‌خواهد خانه خدا را طواف و زیارت کند، به طرف قبر امام حسین علیه‌السلام رفت. ظاهراً او نابینا هم بوده است. می‌گوید با هم رفتیم، تا نزدیک قبر امام حسین علیه‌السلام رسیدیم. وقتی که قبر را لمس کرد و شناخت، احساساتش به جوش آمد. این پیرمرد که لابد حسین بن علی علیه‌السلام را بارها در آغوش پیامبر دیده بود، با صدای بلند سه مرتبه صدا زد: یا حسین، یا حسین، یا حسین! «و سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون...»^۱

عشق به سیدالشهدا و مغناطیس حسینی؛ علت زیارت اربعین

چه آمدن خاندان پیغمبر در روز اربعین به کربلا - که بعضی روایت کرده‌اند - درست باشد یا درست نباشد، ظاهراً در این تردیدی نیست که جابر بن عبدالله انصاری به همراه یکی از بزرگان تابعین - که نام او را بعضی عطیه گفته‌اند، بعضی عطاء گفته‌اند و احتمال دارد عطیه بن حارث کوفی حمدانی باشد؛ به هر حال یکی از بزرگان تابعین است که در کوفه ساکن بوده - این راه را طی کردند و در

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۰۳/۱۴

جاده
تخف
کربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی

این روز بر سر مزار شهید کربلا حاضر شدند. شروع جاذبه‌ی مغناطیس حسینی، در روز اربعین است. جابرین عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرنهای متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است. عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان؛ سیدالشهداء.

جابرین عبدالله جزو مجاهدین صدر اول است؛ از اصحاب بدر است؛ یعنی قبل از ولادت امام حسین، جابرین عبدالله، در خدمت پیغمبر بوده و در کنار او جهاد کرده است. کودکی، ولادت و نشو و نماي حسین بن علی (علیه السلام) را به چشم خود دیده است. جابرین عبدالله به طور حتم بارها دیده بود که پیغمبر اکرم، حسین بن علی را در آغوش می‌گرفت، چشمهای او را می‌بوسید، صورت او را می‌بوسید، پیغمبر به دست خود در دهان حسین بن علی غذا می‌گذاشت و به او آب می‌داد؛ اینها را به احتمال زیاد جابرین عبدالله به چشم خود دیده بود. جابرین عبدالله به طور حتم از پیغمبر به گوش خودش شنیده باشد که حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت‌اند. بعدها هم بعد از پیغمبر، موقعیت امام حسین، شخصیت امام حسین - چه در زمان خلفاء، چه در زمان امیرالمؤمنین، چه در مدینه و چه در کوفه - اینها همه جلو چشم جابرین عبدالله



جاده نجف کربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



انصاری است. حالا جابر شنیده است که حسین بن علی را به شهادت رسانده‌اند. جگرگوشه‌ی پیغمبر را با لب تشنه شهید کرده‌اند. از مدینه راه افتاده است؛ از کوفه، عطیه با او همراه شده است. عطیه روایت می‌کند که: «جابر بن عبدالله به کنار شط فرات آمد، آنجا غسل کرد، جامه‌ی سفید و تمیز پوشید و بعد با گامهای آهسته، با احترام به سمت قبر امام حسین (علیه‌السلام) روانه شد. آن روایتی که من دیدم این‌طور است، می‌گوید: وقتی به قبر رسید، سه مرتبه با صدای بلند گفت: «الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر»؛ یعنی وقتی که می‌بیند که چطور آن جگرگوشه‌ی پیغمبر و زهرا را، دست غارتگر شهوات طغیانگران، این‌طور با مظلومیت به شهادت رسانده، تکبیر می‌گوید. بعد می‌گوید: از کثرت اندوه، جابر بن عبدالله روی قبر امام حسین از حال رفت، غش کرد و افتاد. نمیدانیم چه گذشته است، اما در این روایت می‌گوید، وقتی به هوش آمد، شروع کرد با امام حسین صحبت کردن: «السلام علیکم یا آل الله، السلام علیکم یا صفوه الله»^۱.

زیارت اربعین؛ ابزار بازماندگان کربلا برای پیگیری هدف قیام حسینی

اربعین در حادثه‌ی کربلا یک شروع بود؛ یک آغاز بود. بعد از آنکه قضیه‌ی کربلا انجام گرفت - آن فاجعه‌ی بزرگ اتفاق افتاد - و فداکاری بی‌نظیر

۱. بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۵/۱/۱



حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



اباعبدالله (علیه السلام) و اصحاب و یاران و خانواده‌اش در آن محیط محدود واقع شد، حادثه‌ی اسارت‌ها پیام را باید منتشر می‌کرد و خطبه‌ها و افشاگری‌ها و حقیقت‌گوئی‌های حضرت زینب (سلام الله علیها) و امام سجاد (علیه الصلاه و السلام) مثل یک رسانه‌ی پر قدرت باید فکر و حادثه و هدف و جهتگیری را در محدوده‌ی وسیعی منتشر می‌کرد؛ و کرد. خاصیت محیط اختناق این است که مردم فرصت و جرئت این را پیدا نمیکنند که حقایقی را که فهمیده‌اند، در عمل خودشان نشان بدهند؛ چون اولاً دستگاه ظالم و مستبد نمیگذارد مردم بفهمند و اگر فهم مردم از دست او خارج شد و فهمیدند، نمیگذارد به آنچه فهمیده‌اند، عمل کنند. در کوفه، در شام، در بین راه، خلیها از زبان زینب کبری (سلام الله علیها) یا امام سجاد (علیه الصلاه و السلام) یا از دیدن وضع اسراء، خیلی چیزها را فهمیدند، ولی کی جرئت می‌کرد، کی توانائی این را داشت که در مقابل آن دستگاه ظلم و استکبار و استبداد و اختناق، آنچه را که فهمیده است، بروز دهد؟ مثل یک عقده‌ای در گلوی مؤمنین باقی بود. این عقده روز اربعین اولین نشتر را خورد؛ اولین جوشش در روز اربعین در کربلا اتفاق افتاد.

مرحوم سید بن طاووس - و بزرگان - نوشته‌اند که وقتی کاروان اسراء، یعنی جناب زینب (سلام الله علیها) و بقیه در اربعین وارد کربلا شدند، در آنجا فقط جابر بن عبدالله انصاری و عطیه‌ی عوفی نبودند، «رجال من بنی هاشم»؛ عده‌ای از بنی هاشم، عده‌ای



جاده نجف کربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی





از یاران بر گرد تربت سیدالشهداء جمع شده بودند و به استقبال زینب کبری آمدند. شاید این سیاست ولایتی هم که زینب کبری اصرار کرد که برویم به کربلا - در مراجعت از شام - به خاطر همین بود که این اجتماع کوچک اما پرمعنا، در آنجا حاصل شود. حالا بعضی استبعاد کردند که چطور ممکن است تا اربعین به کربلا رسیده باشند. مرحوم شهید آیه الله قاضی یک نوشته‌ی مفصلی دارد، اثبات می‌کنند که نه، ممکن است که این اتفاق افتاده باشد. به هر حال آنچه در کلمات بزرگان و قدماء هست، این است که وقتی زینب کبری و مجموعه‌ی اهل بیت وارد کربلا شدند، عطیه‌ی عوفی و جناب جابر بن عبدالله و رجالی از بنی هاشم در آنجا حضور داشتند. این نشانه و نمونه‌ای از تحقق آن هدفی است که با شهادت‌ها باید تحقق پیدا می‌کرد؛ یعنی گسترش این فکر و جرئت دادن به مردم. از همین جا بود که ماجرای توابعین به وجود آمد؛ اگر چه ماجرای توابعین سرکوب شد؛ اما بعد با فاصله‌ی کوتاهی ماجرای قیام مختار و بقیه‌ی آن دلاوران کوفه اتفاق افتاد و نتیجه‌ی در هم پیچیده شدن دودمان بنیامیه‌ی ظالم و خبیث بر اثر همین شد. البته بعد از او سلسله‌ی مروانیها آمدند؛ اما مبارزه ادامه پیدا کرد؛ راه باز شد. این خصوصیت اربعین است. یعنی در اربعین افشاگری هم هست، عمل هم هست، تحقق هدفهای آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد.^۱

۱. بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۷/۱۱/۲۸

جاده نجف کربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



حرکت زینب کبری در زیارت اربعین، رمز بقای عاشورا

حادثه‌ی عاشورای حسینی را هم ستمگران و ظالمان می‌خواستند نگذارند باقی بماند، زینب کبرا (سلام الله علیها) نگذاشت. دو حرکت عمده‌ی ما - زینب کبرا (علیها السلام) - انجام داد: یک حرکت، حرکت اسارت بود به کوفه و شام و آن روشنگری‌ها و آن بیانات که مایه‌ی افشای حقایق شد؛ یک حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود؛ حالا اربعین اول یا دوم یا هر چه. این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه‌های خباثت‌آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تا ملت‌ها زنده‌اند، تا زبانهای حقگو در کار است، تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپزند؛ همچنانکه نتوانسته‌اند.^۱

هدف قیام حسینی در زیارت اربعین

حرکت امام حسین(علیه السلام) برای اقامه‌ی حق و عدل بود: «اتما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی ارید ان امر بالمعروف وانهی عن المنکر...»^۲. در زیارت اربعین که یکی از بهترین زیارات است، می‌خوانیم: «و منح النصیح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله و حیره الضلاله»^۳. آن حضرت در بین

۱. بیانات در دیدار مردم قم ۱۷/۱۰/۱۳۹۳

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹

۳. مفاتیح الجنان، زیارت اربعین

جاده
تجف
کربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی

راه، حدیث معروفی را که از پیامبر(صلی الله علیه و آله) نقل کرده‌اند، بیان می‌فرمایند: «ایها الناس ان رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم قال: من رأى سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله ناكثا لعهد الله مخالفا لسنه رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم يعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل و لاقول كان حقا علی الله ان یدخله مدخله»^۱.

تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری که درباره‌ی آن بزرگوار از معصومین رسیده است، این مطلب را روشن می‌کند که غرض، اقامه‌ی حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بوده است. غرض، ادامه‌ی راه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و دیگر پیامبران بوده است که: «یا وارث آدم صفوه الله یا وارث نوح نبی الله...»^۲ و معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: «لیقوم الناس بالقسط»^۳. اقامه‌ی قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.^۴

امیرالمؤمنین (علیه الصلاه والسلام) در نهج البلاغه، هدف از بعثت نبی مکرم اسلام را این‌گونه معین می‌کند: «لیثیروا لهم دفائن العقول»؛ تا گنجینه‌های خرد را در درون مردم استخراج کند و به فعلیت برساند. در زیارت اربعین سیدالشهداء (علیه السلام) هم می‌خوانیم: «لیستنقذ عباده من الجهاله و حیره

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲

۲. مفاتیح‌الجنان، زیارت وارث

۳. حدید: ۲۵

۴. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۶۸/۵/۱۱



حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



الضلالة»؛ قیام حسینی برای این است که ابرهای جهل و غفلت را از افق زندگی انسان‌ها برطرف کند و آنها را عالم کند؛ آنها را به هدایت حقیقی برساند. نصرت خدای متعال در واقع معنایش این است که در جهت احیای سنت‌های الهی قدم برداریم؛ در طبیعت و جامعه اثر بگذاریم؛ در بیدار کردن فطرت‌ها اثر بگذاریم؛ برای نجات انسان از مجموعه‌ی عوامل بدبختی و تیره‌روزی تلاش کنیم. این، نصرت ماست برای دین خدا.^۱

در زیارتی از زیارت‌های امام حسین (علیه‌السلام) که در روز اربعین خوانده می‌شود، جمله‌ای بسیار پرمعنا وجود دارد و آن، این است: «و بذل مهجته فیک لیستنقد عبادک من الجهاله». فلسفه‌ی فداکاری حسین بن علی (علیه‌السلام) در این جمله گنجانده شده است. زایر به خدای متعال عرض می‌کند که این بنده‌ی تو - این حسین تو - خون خود را نثار کرد، تا مردم را از جهالت نجات بدهد. «و حیره الضلالة»؛ مردم را از سرگردانی و حیرتی که در گمراهی است، نجات بدهد. ببینید، این جمله چه قدر پرمغز و دارای چه مفهوم مترقی و پیشرفته‌ی است.

مسأله این است که بشریت همیشه دستخوش شیطنت شیطانهاست. همیشه شیطانهای بزرگ و کوچک، برای تأمین هدفهای خود، انسانها و توده‌های مردم و ملت‌ها را قربانی می‌کنند. در تاریخ گذشته هم این را خوانده‌اید و شرح حال سلاطین

۱. بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

۱۳۸۵/۳/۱۴



جاده تجرب گربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی





جابر و ستمگر و رفتار آنها با ملت‌ها و وضع امروز دنیا و روش قدرتهای بزرگ را دیده‌اید. بشر دستخوش اغوا و خدعه‌ی شیطانها قرار می‌گیرد. باید به بشر کمک کرد، باید به بندگان خدا مدد رساند، تا بتوانند خود را از جهالت نجات بدهند و از سرگردانی و گمراهی خلاص بشوند.^۱

یک جمله در زیارت اربعین امام حسین علیه‌الصّلاه و السّلام ذکر شده است که مانند بسیاری از جملات این زیارتها و دعاها، بسیار پرمغز و در خور تأمل و تدبّر است. امروز به مناسبت روز تاسوعا و روز عزا، در خطبه اول قدری پیرامون همین جمله - که ناظر به جهت قیام حسینی است - عرایضی عرض می‌کنیم. آن جمله این است: «و بذل مهجته فیک». این زیارت اربعین است؛ منتها فقره‌های اول آن، دعاست که گوینده این جملات خطاب به خداوند متعال عرض می‌کند: «و بذل مهجته فیک»؛ یعنی حسین بن علی، جان و خون خود را در راه تو داد؛ «لیستنقذ عبادک من الجهاله»؛ تا بندگان تو را از جهل نجات دهد؛ «و حیره الضّلاله»؛ و آنها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند. این یک طرف قضیه، یعنی طرف قیام کننده؛ حسین بن علی علیه‌السّلام است. طرف دیگر قضیه، در فقره بعدی معرفی می‌شود: «و قد توازر علیه من غرّته الدنیا و باع حظّه بالارذل الأدنی»؛ نقطه مقابل، کسانی بودند که فریب زندگی، آنها را به خود مشغول و

۱. بیانات در دیدار جمعی از فرزندان ممتاز شاهد و جانبازان مشهد و تهران

و استان کردستان ۱۳۶۹/۶/۲۱

جاده تجف گر بلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی

دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفس، از خود بیخودشان کرده بود؛ «و باع حظه بالارذل الأذنی»؛ سهمی را که خدای متعال برای هر انسانی در آفرینش عظیم خود قرار داده است - این سهم عبارت است از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت - به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنایی فروخته بودند. این، خلاصه نهضت حسینی است.

با مذاقه در این بیان، انسان احساس می‌کند که نهضت حسینی در واقع با دو نگاه قابل ملاحظه است، که هر دو هم درست است؛ اما مجموع دو نگاه، نشاندهنده‌ی ابعاد عظیم این نهضت است. یک نگاه، حرکت ظاهری حسین بن علی است؛ که حرکت علیه یک حکومت فاسد و منحرف و ظالم و سرکوبگر - یعنی حکومت یزید - است؛ اما باطن این قضیه، حرکت بزرگتری است که نگاه دوم، انسان را به آن می‌رساند؛ و آن حرکت علیه جهل و زبونی انسان است. در حقیقت، امام حسین اگرچه با یزید مبارزه می‌کند، اما مبارزه گسترده تاریخی وی با یزید کوتاه‌عمر بیارزش نیست؛ بلکه با جهل و پستی و گمراهی و زبونی و ذلت انسان است. امام حسین با اینها مبارزه می‌کند.

یک حکومت آرمانی به وسیله اسلام به وجود آمد. اگر بخواهیم ماجرای امام حسین را در سطوری خلاصه کنیم، این‌طور می‌شود: بشریت، دچار ظلم و جهل و تبعیض بود. حکومت‌های بزرگ دنیا، که حکومت قیصر و کسرای آن زمان است - چه در ایران آن روز،



جاده نجف کربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



چه در امپراتوری روم آن روز - حکومت اشرافیگری و حکومت غیرمردمی و حکومت شمشیر بیمنطق و حکومت جهالت و فساد بود. حکومت‌های کوچکتر هم - مثل آنچه که در جزیره العرب بود - از آنها بدتر بودند و مجموعاً جاهلیتی دنیا را فرا گرفته بود. در این می‌ان، نور اسلام به وسیله پیامبر خدا و با مدد الهی و مبارزات عظیم و توانفرسای مردمی توانست اوّل یک منطقه از جزیره العرب را روشن کند و بعد بتدریج گسترش یابد و شعاع آن همه جا را فرا گیرد. وقتی پیامبر از دنیا می‌رفت، این حکومت، حکومت مستقری بود که می‌توانست الگوی همه بشریت در طول تاریخ باشد؛ و اگر آن حکومت با همان جهت ادامه پیدا می‌کرد، بدون تردید تاریخ عوض می‌شد؛ یعنی آنچه که بنا بود در قرن‌ها بعد از آن - در زمان ظهور امام زمان در وضعیت فعلی - پدید آید، در همان زمان پدید آمده بود. دنیای سرشار از عدالت و پاکی و راستی و معرفت و محبت، دنیای دوران امام زمان است که زندگی بشر هم از آن جا به بعد است. زندگی حقیقی انسان در این عالم، مربوط به دوران بعد از ظهور امام زمان است که خدا می‌داند بشر در آن جا به چه عظمت‌هایی نایل خواهد شد. بنابراین، اگر ادامه حکومت پیامبر می‌سر می‌شد و در همان دوره‌های اوّل پدید می‌آمد و تاریخ بشریت عوض می‌شد، فرجام کار بشری مدت‌ها جلو می‌افتاد؛ اما این کار به دلایلی نشد. خصوصیت حکومت پیامبر این بود که به جای

جاده تجف گر بلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی

ابتناء بر ظلم، ابتناء بر عدل داشت. به جای شرک و تفرقه فکری انسان، متکی بر توحید و تمرکز بر عبودیت ذات مقدس پروردگار بود. به جای جهل، متکی بر علم و معرفت بود. به جای کینه‌ورزی انسانها با هم، متکی بر محبت و ارتباط و اتصال و رفق و مدارا بود؛ یعنی یک حکومت از ظاهر و باطن آراسته. انسانی که در چنین حکومتی پرورش پیدا می‌کند، انسانی باتقوا، پاکدامن، عالم، بابصیرت، فعال، پُرنشاط، متحرک و رو به کمال است. با گذشت پنجاه سال، قضایا عوض شد. اسم، اسم اسلام ماند؛ نام، نام اسلامی بود؛ اما باطن دیگر اسلامی نبود. به جای حکومت عدل، باز حکومت ظلم بر سر کار آمد. به جای برابری و برادری، تبعیض و دودستگی و شکاف طبقاتی به وجود آمد. به جای معرفت، جهل حاکم شد. در این دوره پنجاه ساله، هر چه به طرف پایین می‌آییم، اگر انسان بخواهد از این سرفصلها بیشتر پیدا کند، صدها شاهد و نمونه وجود دارد که اهل تحقیق باید اینها را برای ذهنهای جوان و جوینده روشن کنند.

امامت به سلطنت تبدیل شد! ماهیت امامت، با ماهیت سلطنت، مغایر و متفاوت و مناقض است. این دو ضدّ همنند. امامت، یعنی پیشوایی روحی و معنوی و پیوند عاطفی و اعتقادی با مردم. اما سلطنت، یعنی حکومت با زور و قدرت و فریب؛ بدون هیچ‌گونه علقه معنوی و عاطفی و ایمانی. این دو، درست نقطه مقابل هم است. امامت، حرکتی در می‌ان امت، برای امت و در جهت خیر است. سلطنت، یعنی یک سلطه



جاده نجف کربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



مقتدرانه علیه مصالح مردم و برای طبقات خاص؛ برای ثروت‌اندوزی و برای شهوت‌رانی گروه حاکم. آنچه که ما در زمان قیام امام حسین می‌بینیم، دومی است، نه آن اولی. یعنی یزیدی که بر سر کار آمده بود، نه با مردم ارتباط داشت، نه علم داشت، نه پرهیزگاری و پاکدامنی و پارسایی داشت، نه سابقه جهاد در راه خدا داشت، نه ذره‌ای به معنویات اسلام اعتقاد داشت، نه رفتار او رفتار یک مؤمن و نه گفتار او گفتار یک حکیم بود. هیچ چیزش به پیامبر شباهت نداشت. در چنین شرایطی، برای کسی مثل حسین بن علی - که خود او همان امامی است که باید به جای پیامبر قرار گیرد - فرصتی پیش آمد و قیام کرد.

اگر به تحلیل ظاهری قضیه نگاه کنیم، این قیام، قیام علیه حکومت فاسد و ضد مردمی یزید است؛ اما در باطن، یک قیام برای ارزشهای اسلامی و برای معرفت و برای ایمان و برای عزت است. برای این است که مردم از فساد و زبونی و پستی و جهالت نجات پیدا کنند. لذا ابتدا که از مدینه خارج شد، در پیام به برادرش محمد بن حنفیه - و در واقع در پیام به تاریخ - چنین گفت: «آئی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما»؛ من با تکبر، با غرور، از روی فخر فروشی، از روی میل به قدرت و تشنه قدرت بودن قیام نکردم؛ «آما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی»؛ من می‌بینم که اوضاع در می‌ان امت پیامبر دگرگون شده است؛ حرکت، حرکت غلطی است؛ حرکت، حرکت به سمت انحطاط است؛ در



جاده تخف گر بلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



ضد جهتی است که اسلام می‌خواست و پیامبر آورده بود. قیام کردم برای این که با اینها مبارزه کنم. مبارزه امام حسین دو وجه دارد و ممکن است دو نتیجه به بار بیاورد؛ اما هر دو نتیجه خوب است. یک نتیجه این بود که امام حسین علیه‌السلام بتواند بر حکومت یزید پیروز شود و قدرت را از چنگ کسانی که با زور بر سر مردم می‌کوبیدند و سرنوشت مردم را تباه می‌کردند، خارج کند و کار را در مسیر صحیح خود بیندازد. اگر این کار صورت می‌گرفت، البته باز مسیر تاریخ عوض می‌شد. یک وجه دیگر این بود که امام حسین نتواند به هر دلیلی این پیروزی سیاسی و نظامی را به دست بیاورد؛ آن وقت امام حسین در این جا دیگر نه با زبان، بلکه با خون، با مظلومیت، با زبانی که تاریخ تا ابد آن را فراموش نخواهد کرد، حرف خود را مثل یک جریان مداوم و غیرقابل انقطاع در تاریخ به جریان می‌اندازد. و این کار را امام حسین کرد.

البته کسانی که دم از ایمان می‌زدند، اگر رفتاری غیر از آن داشتند که به امام حسین نشان دادند، شق اول پیش می‌آمد و امام حسین می‌توانست دنیا و آخرت را در همان زمان اصلاح کند؛ اما کوتاهی کردند! البته بحث این که چرا و چطور کوتاهی کردند، از آن بحث‌های بسیار طولانی و مرارتباری است که بنده در چند سال قبل از این تحت عنوان «خواص و عوام» آن را مقداری مطرح کردم - یعنی چه کسانی کوتاهی کردند، گناه و تقصیر به گردن



جاده نجف کربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی





چه کسانی بود؛ چطور کوتاهی کردند، کجا کوتاهی کردند - که من نمیخواهم آن حرفها را مجدداً بگویم. بنابراین، کوتاهی شد و به خاطر کوتاهی دیگران، مقصود اول حاصل نشد؛ اما مقصود دوم حاصل گردید. این دیگر چیزی است که هیچ قدرتی نمیتواند آن را از امام حسین بگیرد. قدرت رفتن به می‌دان شهادت؛ دادن جان و دادن عزیزان؛ آن گذشت بزرگی که از بس عظیم است، هر عظمتی که دشمن داشته باشد در مقابلش، کوچک و محو می‌شود و این خورشید درخشان، روزبه‌روز در دنیای اسلام به نورافشانی بیشتری می‌پردازد و بشریت را احاطه می‌کند.

امروز بیش از پنج قرن و ده قرن پیش، حسین بن علی اسلام و شما، در دنیا شناخته شده است. امروز وضع به گونه‌ای است که متفکران و روشنفکران و آنهایی که بیغرضند، وقتی به تاریخ اسلام بر می‌خورند و ماجرای امام حسین را می‌بینند، احساس خضوع می‌کنند. آنهایی که از اسلام سر در نمی‌آورند، اما مفاهیم آزادی، عدالت، عزت، اعتلاء و ارزشهای والای انسانی را می‌فهمند، با این دید نگاه می‌کنند و امام حسین، امام آنها در آزادیخواهی، در عدالت‌طلبی، در مبارزه با بدیها و زشتیها و در مبارزه با جهل و زبونی انسان است.^۱

زیارت اربعین؛ حرکتی در امتداد قیام سیدالشهدا (ع) برای تشکیل نظام اسلامی

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۱/۲۶



حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



یک جمله در باب اربعین عرض کنم؛ آمدن اهل بیت حسین بن علی (علیهم السلام) به سرزمین کربلا، که اصل این آمدن مورد قبول هست، اما سال اول یا دوم بودن آن معلوم نیست، فقط برای این نبود که دلی خالی کنند یا تجدید عهدی بکنند؛ آنچنان که گاهی بر زبان‌ها جاری می‌شود.

مسئله از این بسیار بالاتر بود، نمی‌شود کارهای شخصیتی مثل امام سجاد (علیه السلام) یا مثل زینب کبری (سلام الله علیها) را بر همین مسائل عادی رایج ظاهری حمل کرد، باید در کارها و تصمیمات شخصیت‌هایی به این عظمت در جست‌وجوی رازهای بزرگتر بود.

مسئله آمدن بر سر مزار سیدالشهدا (علیه السلام)، در حقیقت امتداد حرکت عاشورا بود، با این کار خواستند به پیروان حسین بن علی (علیه السلام) و دوستان خاندان پیغمبر و مسلمانانی که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته بودند تفهیم کنند، این حادثه تمام نشد؛ مسئله با کشته شدن، دفن کردن و اسارت گرفتن و بعد رها کردن اسیران خاتمه پیدا نکرد؛ مسئله ادامه دارد.

به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شماست؛ اینجا می‌عاد بزرگی است که با جمع شدن در این می‌عاد، هدف جامعه شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمین را باید به یاد هم بیاورید، تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن حتی در حد شهادت، آن هم با آن وضع! این چیزی است که باید از یاد



جاده تخف کربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



مسلمانان نمی‌رفت و خاطره آن برای همیشه زنده می‌ماند، آمدن خاندان پیغمبر، امام سجاد(علیه السلام) و زینب کبری(سلام الله علیها) به کربلا در اربعین به این مقصود بود.^۱

پیاده‌روی اربعین؛ مصداق شعائر الله

این روزها روزهای نزدیک به اربعین است. پدیده‌ی بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ای هم در این سالهای اخیر به وجود آمده و آن، پیاده‌روی می‌ان نجف و کربلا یا بعضی از شهرهای دورتر از نجف تا کربلا است؛ بعضی از بصره، بعضی از مرز، بعضی از شهرهای دیگر، پیاده راه می‌افتند و حرکت می‌کنند. این حرکت حرکت عشق و ایمان است؛ ما هم از دور نگاه می‌کنیم به این حرکت، و غبطه می‌خوریم به حال آن کسانی که این توفیق را پیدا کردند و این حرکت را انجام دادند: «گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم

بُعد منزل نبُود در سفر روحانی»

این کسانی که این راه را طی کردند و این حرکت عاشقانه را و مؤمنانه را دارند انجام می‌دهند، واقعاً دارند حسنه‌ای را انجام می‌دهند. این یک شعار بزرگ است، لا تُحَلِّوا شَعَائِرَ اللَّهِ، (۲) این بلاشک جزو شعائر الله است. جا دارد که امثال بنده که محرومیم از این جور حرکتها عرض بکنیم که «یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیماً». (۳) همان‌طور که عرض

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۷/۲۴، به نقل از کتاب «آفتاب در مضاف»، انشارات مؤسسه انقلاب اسلامی-دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای.



حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



کردیم، این حرکت حرکت عشق و ایمان است؛ هم در آن ایمان و اعتقاد قلبی و باورهای راستین، تحریک کننده و عمل کننده است؛ هم عشق و محبت. تفکر اهل بیت و تفکر شیعی همین جور است؛ ترکیبی است از عقل و عاطفه، ترکیبی است از ایمان و عشق؛ ترکیب این دو. این آن چیزی است که در سایر فرق اسلامی، خلأ آن محسوس است؛ سعی هم می کنند گاهی به یک نحوی این خلأ را پُر کنند، [اما] نمیشود؛ چه کسی مثل خاندان پیغمبر - این عناصر برجسته، ممتاز، نورانی، ملکوتی - وجود دارد در بین معتقدات (۴) شعب دیگر اسلامی، که این جور مردم به آنها عشق بورزند، با آنها تعامل کنند، با آنها حرف بزنند، به آنها سلام کنند و از آنها ان شاء الله جواب بشنوند؛ چه کسی دیگر وجود دارد؟ این است که این یک فرصتی است در اختیار پیروان اهل بیت؛ این زیارت ائمه (علیهم السلام)، این معاشقه‌ی معنوی با این بزرگواران، این زیارتهای سرشار از مفاهیم عالی و ممتاز که در اختیار ما است.

بعضی دنبال سند می گردند برای بعضی از این زیارتهای؛ من عرض می کنم بدون سند هم این زیارتهای را می شود خواند. خب ما وقتی بخواهیم با اینها حرف بزنیم، با چه زبانی حرف بزنیم؟ کی می توانیم با این فصاحت، با این بلاغت، با این شیوایی کلمات پیدا کنیم، ترکیبات پیدا کنیم، مفاهیم پیدا کنیم در ذهن خودمان و با اینها حرف

جاده تجف گر بلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



بزنیم؟ این زیارتها خیلی خوب است. البته این مانع از این نمیشود که انسانها همین‌طور [به شکل] دلی هم با این بزرگواران حرف بزنند - مثل کسی که با پدر خود یا با عزیز خود حرف می‌زند و شکایت می‌کند و حرف می‌زند - مانع از آنها نیست اما این زیارتها و زیارت‌نامه‌هایی که در اختیار ما هست هم واقعاً یکی از چیزهای مغتنمی است که بحمدالله در مکتب ما وجود دارد.

به‌رحال کار بسیار مهمی است، کار بزرگی است؛ این حرکت عظیم مردم از ایران، از کشورهای دیگر اسلامی، از هند، از اروپا، حتی از آمریکا و کشورهای دیگر، از راه‌های دور، افرادی می‌آیند در این راه‌پیمایی شرکت می‌کنند؛ دو روز، سه روز بیشتر یا کمتر - در این راه، پای پیاده حرکت می‌کنند؛ مردم عراق هم انصافاً با کمال بزرگواری و محبت‌پذیرایی می‌کنند از اینها؛ خیلی حرکت عظیم و پرمعنا و پرمغزی است و کسانی که موفق می‌شوند باید مغتنم بشمارند.^۱

پیاده‌روی بی‌نظیر اربعین؛ مایه اعزاز امت اسلامی

هرجا نمونه‌هایی از این اجتماع را ما مشاهده کردیم، ولو تنها، جسمها در کنار هم قرار گرفتند، دیدیم انعکاس آن در دنیا مایه‌ی شرف و آبروی اسلام و مسلمین شد؛ مایه‌ی آبروی پیغمبر شد. نماز عید را که می‌خوانیم، کنار هم قرار می‌گیریم، می‌گوییم: **الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَامَاتًا وَ مَزِيدًا؛**

۱. بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره پیاده‌روی اربعین ۱۳۹۴/۹/۹



حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



صرف کنار هم قرار گرفتن جسمها در نماز، برای پیغمبر مایه‌ی شرف است؛ برای امت اسلامی مایه‌ی اعزاز و احترام است. اجتماع حج همین‌جور است. امسال شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی می‌لیونها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمانها - البته مخصوص شیعه نبود، سنیها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد می‌کنند.^۱

تامل زیبای اقوام در پیاده‌روی اربعین؛ الگوی وحدت ملت‌های مسلمان

من همینجا مناسب می‌دانم و لازم می‌دانم بهمناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، گرم و بزرگواری نشان دادند، تشکر کنم. حادثه‌ی عجیبی بود حادثه‌ی امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسمها در کنار هم قرار می‌گیرد، این‌جور انعکاس پیدا می‌کند. اگر ما با هم باشیم، کشورهای اسلامی، ملت‌های مسلمان - سنی و شیعه و فرق مختلف تسنن و تشیع - با یکدیگر دل‌هایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و می‌همانان بیست و هشتمین کنفرانس

بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۹۳/۱۰/۱۹



حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزّتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت.^۱

مهمان‌نوازی مردم عراق از زائران اربعین حسینی

میهمان‌نوازی و کرم در استقبال از زائران اربعین حسینی یکی دیگر از صفات ممتاز مردم عراق است. این رفتار عاشقانه‌ی معنوی در دنیای امروز مادی بسیار مهم و قابل توجه است و هنوز به‌درستی عمق این فضیلت مردم عراق شناخته نشده است.^۲

راهپیمایی اربعین؛ جلوه‌ای بی‌نظیر از محبت بین ملت‌ها

راه‌پیمایی مراسم روز اربعین یک نمونه از این ارتباط دوستانه [دو ملت ایران و عراق] است به‌گونه‌ای که مردم عراق در پذیرایی از زائران ایرانی، از انفاق و محبت و ارادت چیزی کم نمی‌گذارند. مسئولان دو کشور ایران و عراق، باید از این فضا و فرصت برای منافع دو کشور بیشترین استفاده را بکنند.^۳

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و می‌همانان بیست و هشتمین کنفرانس

بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

۲. دیدار نخست‌وزیر عراق با رهبر انقلاب ۱۳۹۴/۳/۲۷

۳. دیدار رئیس‌جمهوری عراق با رهبر انقلاب ۱۳۹۴/۹/۳



حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



پیاده روی اربعین؛ یکی از نشانه‌های ایمان جوانان

عزیزان من! جوان کشور ما امیدبخش است؛ محیط جوانی در کشور ما امیدبخش است؛ نه اینکه بنده خبر نداشته باشم که حالا یک مشت جوانهایی هستند که راه‌های غلطی می‌روند، کارهای بدی می‌کنند؛ چرا، آنها را هم بنده اطلاع دارم اما سرجمع وقتی که نگاه می‌کنم به محیط جوانی کشور، از خدای متعال سپاسگزاری می‌کنم. با این همه عوامل انحراف، با این همه انگیزه، با این جبهه‌ی وسیع دشمنی و تمرکز روی جوانها، ما یک مجموعه‌ی بزرگ جوان داریم که مؤمنند، متدیّنند، انقلابی‌اند، اهل توسلند، اهل شور و عشق به معنویتند؛ این چیز کمی نیست؛ این چیز خیلی مهمی است؛ خیلی چیز بزرگی است. عده‌ای اهل قرآنند، عده‌ای اهل اعتکافند، عده‌ای اهل پیاده‌روی اربعینند، عده‌ای اهل ایستادگی در می‌دانهای انقلاب و در مظاهر انقلابند. این خیلی با عظمت است، خیلی با ارزش است؛ دشمن با همه‌ی اینها مخالف است.^۱

لزوم رعایت ضوابط و مقررات در سفر اربعین

البته این عرایض ما موجب نشود که بعضی‌ها خارج از مقررات بخواهند بلند شوند راه بیفتند و حرکت کنند؛ نه، طبق همان مقرراتی که دولت اسلامی معین کرده است؛ خوب، دوستان ما در دولت نشسته‌اند فکر کرده‌اند، مقرراتی و ضوابطی برای این کار در نظر گرفته‌اند، این ضوابط حتماً مراعات بشود؛ جوری

۱. دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان با رهبر انقلاب



جاده
نجف
کربلا

حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



نباشد که کسانی خارج از این ضوابط بگویند «برویم همین‌طور حرکت کنیم، سر به بیابان بگذاریم -مثلاً- برویم». این‌جوری مطلوب نیست؛ این ضوابط را حتماً بایستی رعایت کنند. ان‌شاءالله موفق و مؤید باشید. ^۱

حرکت ملت ما در زیارت اربعین، نشانگر عزم راسخ ملی

ملت ما عزم راسخ خود را هم در تحمل برخی مشکلاتی که برای او وجود داشت نشان داد، هم در روز بیست‌ودوم بهمن، در روز قدس و در راهپیمایی عظیم اربعین این عزم را، این همت را از خود بروز داد و نشان داد. مدیریت جهادی هم در برخی از بخش‌ها بحمدالله بارز و آشکار بود. ^۲

لزوم معرفت‌افزایی زائران سفر اربعین

مردم با شور خودشان به کربلا می‌روند، اما باید دید وقتی برمی‌گردند با خودشان چه می‌آورند؟ ... افزایش معرفت و شناخت اهداف امام حسین (علیه السلام) در واقعه کربلا به عهده علماست و باید آنان تلاش کنند تا می‌زان آگاهی زائران نسبت به مشی و جهت‌گیری سیدالشهداء اضافه شود، به عبارتی فقط شور نباشد و شعور هم به آن اضافه شود. ^۳

۱. بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره پیاده‌روی اربعین ۱۳۹۴/۹/۹

۲. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴/۱/۱

۳. حجت الاسلام قمی، معاون ارتباطات بین الملل دفتر مقام معظم

رهبری در جلسه ستاد مراسم اربعین: هنگامی که گزارش مراسم

اربعین ۹۴ به رهبر معظم انقلاب داده شد ایشان این مطالب را فرمودند.

به نقل از نشریه خط حزب الله، پیش شماره ششم، هفته دوم مرداد ۱۳۹۴



حرکت در مسیر
تشکیل نظام اسلامی



نَصْرِي لَكُمْ مَعِي لَا

• برای یاری تان آماده‌ام •



به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شهاست؛ اینجا میعاد
بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد، هدف جامعه شیعی
و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمین را باید به یاد هم
بیاورید، تشکیل نظام اسلامی و تلاش در راه آن حتی در حد
شهادت، آن هم با آن وضع! این چیزی است که باید از یاد
مسلمانان نمی‌رفت و خاطره آن برای همیشه زنده می‌ماند.



موکب فرهنگی لبیک

(فعالان اربعینی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی استان اصفهان)

۰۳۱-۳۲۳۰۵۵۳۱

@Chashmentezar_ir